امتیاز

چهارشنبه ۱۱ دی ۱۳۹۸
۵ جمادی‌الاول ۱۴۴۱ ● ۱ ژانویه ۲۰۲۰
شماره ۲۸۸۱ ● ۸ صفحه

متن میثاق‌نامه روزنامه‌نگاری در سایت روزنامه موجود است

روزنامه فرهنگی، هنری، ورزشی، اجتماعی صبح کشور
صاحب امتیاز و مدیرمسوول: غلامحسین شعبانی
دبیر تحریریه: هومن جعفری
نشانی: میدان انقلاب - خیابان جمالزاده‌شمالی
پلاک ۲۶۰ واحد ۵

پست الکترونیکی:
info@emtiazdaily.ir
تلفن: ۶۶۵۹۶۸۰۹
آگهی دولتی: ۶۶۵۶۷۷۶۴ - آگهی شهرستان ها: ۶۶۶۵۰۰۹۹
لیتوگرافی و چاپ: ریحان

WWW.EMTIAZDAILY.IR

اخبار

رضا دانش‌پژوه با مهر مطرح کرد؛

«عالیجناب» چگونه به فجر رسید؟

رضا دانش پژوه تهیه‌کننده مستند «عالیجناب» که به بخش مستندهای سی‌وهشتمین جشنواره فیلم فجر راه‌یافته است به ارایه توضیحاتی درباره این فیلم پرداخت.

رضا دانش‌پژوه تهیه‌کننده مستند «عالیجناب» به کارگردانی سجاد ایمانی که به بخش مستندهای سی‌وهشتمین جشنواره فیلم فجر راه یافته است درباره این فیلم گفت: «عالیجناب» عنوان مستند بلندی است که در استان کهگیلویه و بویراحمد ساخته شده است. این مستند ۷۲ دقیقه‌ای زندگی یک قهرمان بوکس را روایت می‌کند که برای نجات خانواده‌اش مجبور می‌شود دست به هر کاری بزند. «عالیجناب» عنوان تکامل‌یافته شخصیت‌های توانمند و شکیل اجتماعی است که می‌شود برای هر کسی که برجستگی‌های خاص و قابل تحسین داشته باشد، نیز استفاده شود.

وی درباره نسبت کاراکتر اصلی این مستند با نام انتخابی توضیح داد: شخصیت رحیم در این فیلم یک قهرمان است چون او تمام تلاشش را می‌کند هر چند نتیجه مطلوب نیست اما این جدیت مشمول همه نمی‌شود. این وجه تمایز یک قهرمان خستگی‌ناپذیر است که وسعت قلمرو قهرمانی‌اش شاید از یک خانه بیشتر نشود، اما روند حرکت رحیم در فیلم او را به عالیجناب فیلم تبدیل می‌کند.

مستندهای فجر منتخبی از بهترین‌ها هستند

وی اظهار کرد: با توجه به زمان فیلم که بلند محسوب می‌شود قطعاً در ایران دو جشنواره معتبر برای این مدت زمان وجود دارد. جشنواره فجر و جشنواره «سینماحقیقت». قطعاً از قبل برنامه‌هایی برای حضور این فیلم در جشنواره‌های ایران داشتیم. البته فیلم‌های جشنواره فجر امسال قطعاً منتخبی از بهترین‌های مستند ایران هستند که به جشنواره راه پیدا کرده‌اند. اینکه فیلم ما در جشنواره فجر به نمایش در می‌آید برایمان مهم است، اما سیمرغ گرفتن و نگرفتن یک مسئله دیگر است و بستگی به هیئت داوران دارد. عرف هم در تمام دنیا احترام به رأی هیئت داوران است. هم من و هم سجاد ایمانی برای اولین بار است که در جشنواره فیلم فجر حضور داریم. البته آقای ایمانی در پروژه «خروج» ابراهیم حاتمی‌کیا نیز عکاس بوده است.

این تهیه‌کننده در بخش دیگر از صحبت‌هایش بیان کرد: من و سجاد ایمانی دوستی چند ساله داریم و هم زبان هم هستیم. به پیشنهاد ایشان وارد پروژه شدم. ابتدا قرار بر این بود فیلمی درباره اعتقاد انسان به مساله‌های انسانی و کمتر پرداخت شده بسازیم و نتیجه سوال‌ها و پاسخ‌ها، یافتن سوژه فیلم را رقم زد که سوژه را هم سجاد ایمانی پیدا کرد.

دانش‌پژوه توضیح داد: یک وجه اشتراک بود که بیشترین نقش را در انجام این پروژه داشت و آن اینکه من به وجود رگه‌های داستانی هر چند کمرنگ در سینمای مستند اعتقاد دارم و اگر سینمای داستانی ما را هم ببینید رگه‌های مستند در این سینما به کرات دیده می‌شود. این بخش مورد تفاهم من و آقای ایمانی بود و کمک می‌کرد به نقاط اشتراک بیشتری دست پیدا کنیم. در بخش‌هایی از کار هم من با شیوه فیلمبرداری مشکل داشتم اما در طول مسیر فیلمبرداری کم کم حساسیت‌ها به کمترین حد رسید.

وی درباره کارکترهای این مستند گفت: رحیم و حلیمه از نظر فرهنگی بیگانه با سینما نبودند. رحیم بازیگر نمایش تعزیه و حلیمه تحصیلکرده دانشگاه بود. مفهوم سینما و حضورشان در یک اثر مستند از طرف کارگردان برایشان آسان شده بود. اما شیوه برخورد با سوژه و چگونگی ایجاد فضای فیلم از شگردهای کارگردان بود و بخش‌های خاص فیلم به شدت وابسته به گسترش فضای گفتگو بین کاراکترها بود و این روند گاهی اوقات ساعت‌ها طول می‌کشید.

خروج «عرق سرد» از دایره واقعیت

صورت‌مان را با سیلی سرخ نگه داشتیم

زهرا منصوری

اعظم سنایی از اعضای تیم ملی هاکی دختران که تلاششان برای حضور در یک میدان جهانی، در مستند «جایی برای فرشته‌ها نیست» روایت شده است، از رویکرد فیلم سینمایی «عرق سرد» انتقاد کرد.

«جایی برای فرشته‌ها نیست» عنوان مستندی به کارگردانی سام کلانتری است که در سیزدهمین جشنواره «سینماحقیقت» به نمایش درآمد و توانست با اقبال مخاطبان همراه شود. مستندی که در روزهای نمایش در این جشنواره با صف‌های طولانی مخاطبان برای تماشایش مواجه شد اما به گفته صاحبانش در کسب جوایز آنچنان که باید، نتوانست سهم خود را به دست بیاورد و این ناشی از سلیقه هیات داوران بود.

«جایی برای فرشته‌ها نیست» با رویکردی امیدوارانه داستان تیم ملی هاکی دختران را روایت می‌کند که وارد یک میدان رقابت بین‌المللی می‌شوند و به پیروزی می‌رسند، مستندی که روح زنانه‌ای دارد و به گفته صاحبانش نمی‌خواهد به کسی طعنه بزند اما می‌خواهد بگوید خواستن توانستن است.

در بخش نخست این گفتگو سام کلانتری تأکید کرد در روایت این مستند نگاه ابزاری به مشکلات دختران نداشته و بیشتر به‌دنبال تأکید بر «امید» بوده است.

بخش دوم گفتگوی خبرگزاری مهر با سام کلانتری کارگردان، محمد شکیبانیا و محسن شاه محمد میراب تهیه‌کنندگان، کاوه صدقی رئیس انجمن اسکیت هاکی فدراسیون اسکیت ایران و اعظم سنایی از دختران ورزشکار تیم ملی را در زیر می‌خوانید:

*** آقای کلانتری گویا نمی‌خواستید در این فیلم بر روی مشکلات تمرکز ویژه داشته باشید و می‌خواستید یک هوای تازه در آن جریان داشته باشد؛ این اتفاق به چه صورت رخ داد؟**

کلانتری: یک قانون نانوشته‌ای بین کاوه صدقی و فدراسیون شکل گرفته که به نظرم خیلی هم خوب است، این قانون می‌گوید کاوه با تیمش به دنبال زندگیش برود و آن‌ها با فدراسیون کار نداشته باشند در مقابل فدراسیون هم با آن‌ها کاری نخواهد داشت. از این جهت می‌گویم این، قانون خوبی است که این تیم مرتب مورد اذیت قرار نمی‌گیرد.

صدقی: ما نمی‌خواستیم به مشکلات موجود به‌اصطلاح گیر بدهیم، چون این کار را هر روز همه ما انجام می‌دهیم. حتی در تاکسی و سوپرمارکت و... همه این حرف‌ها را می‌زنند، همه انتقاد می‌کنند. این روزها گوش همه پر از مشکلات، موضوعات و گرفتاری‌هاست و مدام نشان دادن یک روضه مکرر، چیزی را حل نمی‌کند. اما «جایی برای فرشته‌ها نیست» در همین فضا و با همین موضوعات، داستان دختران موفق را نشان می‌دهد. می‌دانم هزار تیم و کسب و کار دیگر وجود دارد که این مشکلات را دارند، ولی این فیلم نمونه‌ای از رسیدن به موفقیت در بدترین زمان است.

شکیبانیا: اگر از افرادی که «جایی برای فرشته‌ها نیست» را دیده‌اند، بپرسید فیلم درباره چیست به شما می‌گویند فیلم درباره تیم هاکی دختران است که می‌خواهند مسابقاتی بدهند و مشکلاتی دارند اما در همین حین نفیسه مرشدزاده توییتی زد که در آن گفته بود «این فیلم درباره مردی است که می‌خواهد دخترها ضعیف نباشند» که این نگاه بسیار متفاوتی بود.

کلانتری: از روز اولی که شروع به ساخت این فیلم کردیم جریانی چه درباره تولید فیلم و چه درباره روند اعزام تیم وجود داشت که بسیار قابل تامل بود، برای مثال کاوه نمی‌گفت این تیمی که قرار است اعزام شود، حداقل ۲۰۰ میلیون می‌خواهد و بدبخت شدیم، بلکه می‌گفت ما ۲۰۰ میلیون احتیاج داریم و باید آن را جمع کنیم. اصلا کسی حتی به این فکر نمی‌کرد که به مسابقات نمی‌رویم.

در روند ساخته شدن فیلم ما هم همین موضوع وجود داشت. من حس می‌کنم اگر برخی از مسئولان، مدل رفتن تیم و الگوی ساخته شدن این فیلم را سرلوحه قرار بدهند، ما بسیار پیشرفت می‌کنیم چون بدون غر زدن این روند طی شد ضمن اینکه ما می‌دانیم این فیلم چقدر سخت ساخته شده است یا می‌دانیم تیم چقدر سخت به این مسابقات رفته است ولی با این وجود باز هم یاد قسمت‌های جذاب آن می‌افتیم نه سختی‌های آن.

شکیبانیا: ما دوست داشتیم در مسابقات کره ۳ فیلمبردار داشته باشیم، ولی فقط یک فیلمبردار داشتیم. البته یک دوربین هم به سامی دادیم ولی عملاً یک دوربین داشتیم. ضمن اینکه روزی که بچه‌ها به فرودگاه رفتند قیمت دلار دچار نوسانات وحشتاکی شد. من یک تیم سه نفره به مدت ۱۰ روز به کره فرستادم، ولی به سام ۵۰۰ دلار دادم اما جالب این است که سام موقع برگشت ۳۰۰ دلار برای من برگرداند بنابراین اگر این روند برای تولید الگو شود عالی می‌شود.

صدقی: در همین روند بود که تیم پسران هاکی ما هم اول شد. یعنی همین روند عینا برای پسران ما رخ داد. من در سال ۸۴ کاپیتان این تیم بودم و آن موقع به ژاپن دوازده هیچ باختیم اما سالِ گذشته مقام اول را آوردیم. برای من شخصاً بهتر این بود که مستند تیم هاکی پسران ساخته شود چون آن‌ها یک کار عجیب و غریب کردند.

*** یکی از نکات جالب فیلم شما تدوین و البته فیلمبرداری آن است که به «جایی برای فرشته‌ها نیست» کاملا ساختار سینمایی داده است. در این باره توضیحی می‌دهید؟**

کلانتری: من و رضا تیموری چند همکاری با هم داشتیم از همین رو درباره این مستند توضیحاتی به او ارایه دادم البته می‌دانستم در کره وقت گپ و گفت با فیلمبردار را نداریم بنابراین اگر هم را نشناسیم و با هم سال‌ها کارها نکرده باشیم به مشکل می‌خوریم. با اخلاقی که از خودم سراغ دارم می‌دانستم دعوایم می‌شود ولی من و رضا هفت و هشت سال است با هم کار کرده‌ایم و اخلاق همدیگر را می‌شناسیم.

شکیبانیا: به نظرم رضا واقعاً جوانمردی کرد چون در طول سال با وجود اینکه همیشه فیلمبرداری داشت هر موقع که به او می‌گفتیم برای «جایی برای فرشته‌ها نیست» زمانی خالی کند، این کار را می‌کرد.

کلانتری: او به خاطر فیلم ما خیلی کوتاه آمد یادم است یک بار برای فیلمبرداری یک اثر دیگر به چابهار رفته بود، وقتی به او زنگ زدم، گفت هنوز ۱۰ روز دیگر فیلمبرداری داریم به او گفتم به تهران بیا چون ما پس فردا فیلمبرداری داریم. رضا آمد اما من به او زنگ زدم و گفتم اشتباه کردم و باید ۱۰ روز دیگر می‌آمدی! اما او چیزی نگفت. او به عنوان یک فیلمبرداری که در سینمای مستند کار کرده و حالا پا به عرصه داستانی گذاشته، آدم قابلی است از همین رو می‌دانستم که در کره فقط ما ۲ تا می‌توانیم با هم کار کنیم.

شکیبانیا: «هنر و تجربه» جایزه خودش در «سینماحقیقت» را به این فیلم اختصاص داد و علاقه‌مند به اکران «جایی برای فرشته‌ها نیست» در یک زمان خوب است. ما همزمان به این فکر می‌کنیم که شاید بتوانیم بیش از ظرفیت «هنر و تجربه» سالن بگیریم از همین رو مشغول مذاکره با پخش‌کننده‌ها هستیم

در مورد تدوین هم باید بگوییم وقتی فیلمبرداری ما در کره تمام شد من به یکی از دوستان زنگ زدم و گفتم تدوینگر خانم می‌خواهم چون هرچند من با این بچه‌ها زندگی کردم ولی ظرافت‌هایی وجود دارد که نیاز است یک خانم به عنوان تدوینگر حضور داشته باشد، آن هم خانمی که به سینمای داستانی و روایت داستانی تسلط داشته، با کارگردان در تعامل باشد و سعی کند چیزی به کار اضافه کند. براساس این ویژگی‌ها به دو سه گزینه بیشتر نمی‌توانستیم برسیم و اولین گزینه‌ای که به ذهنمان آمد هایده صفی‌یاری بود.

صدقی: من تجربه‌ای در سینمای مستند ندارم ولی می‌دانم تیم‌های ورزشی گرفتاری‌های زیادی دارند و اشراف بر کار آن‌ها سخت است. این مستند اتفاق خوبی بود که به واسطه این گروه نازنین برای ما رخ داد چراکه در یک مقطعی همه درباره تیم ما صحبت می‌کردند به نظرم این مستند باعث می‌شود تیم‌های ورزشی به سراغ یک گروه فیلمساز بروند تا فیلمشان ساخته شود.

*** برنامه‌ای برای اکران عمومی این فیلم دارید؟**

شکیبانیا: ما مشغول مذاکره با پخش‌کننده‌ها هستیم. البته «هنر و تجربه» جایزه خودش در «سینماحقیقت» را به این فیلم اختصاص داد و علاقه‌مند به اکران «جایی برای فرشته‌ها نیست» در یک زمان خوب است. ما همزمان به این فکر می‌کنیم که شاید بتوانیم بیش از ظرفیت «هنر و تجربه» سالن بگیریم از همین رو مشغول مذاکره با پخش‌کننده‌ها هستیم چون روال پیچیده‌ای دارد برای مثال باید پروانه بگیریم و می‌دانیم که در شورای صنفی نمایش بر سر اکران دعواست. من و آقای میراب در این بخش تازه کار هستیم بنابراین اینکه فیلم را به اکران برسانیم دشواری کمی نیست.

از سوی دیگر این موضوع که چقدر بتوانیم فیلم را در شورای آموزش و پرورش تصویب کنیم تا بچه‌ها به تماشای فیلم بنشینند و حتی بتوانیم فیلم را در زمان مناسب به نمایش بگذاریم یک وجه ماجراست. ما دوست داریم «جایی برای فرشته‌ها نیست» را در شهرهایی که سینما ندارند از طریق سینماسیارها به نمایش بگذاریم. اکران‌های «سینماحقیقت» برای ما حکم تریلر را داشت چون تعدادی فیلم را در شهرهای کوچک دیده و سپس به تبلیغ آن پرداخته‌اند. ما می‌دانیم «جایی برای فرشته‌ها نیست» ایرادهایی هم دارد ولی مهمترین نکته آن این است که کسانی که به تماشای آن نشسته اند بعد از خروج از سینما حالشان خوب می‌شود و با انگیزه می‌شوند. ما به این‌ها فکر کرده‌ایم ولی باید یک پخش‌کننده با تجربه بیاید و کمک کند فیلم دیده شود.

کلانتری: آنقدر خودشیفته نیستم که بگویم «جایی برای فرشته‌ها نیست» خوب یا بد است، ولی این فیلم یک اتفاق بود. چون به‌واسطه آن، یک تیم دور هم جمع شد این اتفاق برای هیچ تیم ورزشی دیگری امکان ندارد بیفتد چون این مدل دوستی، نزدیکی و... وجود ندارد این دختران واقعاً مثل خواهرهای من شده بودند به طوری که یکی از آن‌ها شب آخر از من پرسید به نظرت فردا چند چند می‌شویم؟ من گفتم مگر من هشت پا هستم که پیشگویی کنم؟ (با خنده)

صدقی: سامی همه بازی‌های‌ها را پیش‌بینی می‌کرد و دقیقاً همان پیش‌بینی‌ها درست از آب درمی‌آمد (با خنده). ضمن اینکه کجا دیدید مستندی ساخته شود و بعد کارگردان و مربی آنقدر خودشان با هم جور شوند که ۶ ماه دیگر با هم دوی ماراتن داشته باشند، در حالی که ما با هم به ماراتن مسکو رفتیم. این دوستی خودش یک اتفاق است.

کلانتری: در فیلم‌هایی به این سبک اگر آن جرقه ابتدایی زده نشود و آدم‌ها یک دست نباشند محال است اتفاق خوبی برای فیلم رخ دهد چون مستند، یک فیلم داستانی نیست که بخواهیم از افراد بازی بگیریم.

میرآب: این فیلم حالا حرکتی را شروع کرده و این حرکت می‌تواند در عرصه ورزش تاثیرگذار باشد.

صدقی: من معتقدم در نشست‌های «جایی برای فرشته‌ها نیست» نباید زیاد صحبت کنم چون فیلم خودش باید حرفش را بزند، ما فرصتی داشتیم تا هر آنچه را که می‌خواهیم بگوییم. هرکسی باید خودش از فیلم بهره ببرد. خوشحالم که بچه‌ها به من اعتماد کردند و این اتفاق بزرگی بود.

*** آقای شکیبانیا هزینه ساخت این مستند چقدر شد؟ این روزها یکی از گلایه‌های مستندسازان و البته سینماگران سینمای داستانی، افزایش سرسام‌آور هزینه‌های تولید است. این موضوع به فیلم شما هم تسری پیدا کرده بود؟**

شکیبانیا: سال ۹۶ یک تدوینگر فیلم مستند بلند، ۱۵ تا ۲۰ میلیون تومان دستمزد می‌گرفت، اما حالا دستمزد او کمتر از ۳۵ میلیون تومان نیست. ما هم به تدوینگرمان ۴۵ میلیون تومان دادیم. این در حالی است که دستمزد او ۹۰ میلیون تومان بود، اما از بخت بلند ما، خانم صفی‌یاری کار را دید، پسندید و با نصف قیمت با ما کار کرد. رضا تیموری هم به همین شکل با ما نصف قیمت کار کرد ضمن اینکه او کارهای اصلاح رنگ را هم انجام داد این در حالی است که ما برای انجام این قسمت باید پول جداگانه می‌دادیم.

شکیبانیا: ارزش این فیلم به قیمت تمام شده آن نیست چراکه اگر بخواهیم سرمایه اجتماعی آن را جمع بزنیم می‌بینیم یک فیلم سه چهار میلیادر تومانی است

صداگذار ما هم تقریبا دو سوم دستمزدی که ما به او دادیم صرف استدیو کرد او در حالی که می‌توانست ۲ هفته‌ای کار را جمع کند ولی دو ماه برای «جایی برای فرشته‌ها نیست» وقت گذاشت. خانم صفی یاری سه ماه وقت صرف این مستند کرد. ارزش این فیلم به قیمت تمام شده آن نیست چراکه اگر بخواهیم سرمایه اجتماعی آن را جمع بزنیم می‌بینیم یک فیلم سه چهار میلیادر تومانی است.

این را هم باید بگویم که مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی ۸۰ میلیون تومان داده و با این رقم مالکیت چهل درصد از این فیلم را دارد. فیلم ما با چیزی حدود ۳۰۰ میلیون تومان جمع شد. یادم است سام به یکی از دوستان گفت می‌خواهد یک فیلم سینمایی با یک میلیارد تومان بسازد که او گفت با یک میلیارد تومان، دیگر همین مستند را هم نمی‌توانی بسازی و وقتی ما گفتیم این مستند را با ۳۰۰ میلیون تومان ساخته‌ایم، باور نمی‌شد و جا خورد چون در سینما از این خبرها نیست. بچه‌های سینمای مستند با شرایط دشوار کار می‌کنند و واقعاً زندگی خود را نمی‌توانند بچرخانند.

ما سعی کردیم در این فیلم صورتمان را با سیلی سرخ نگه داریم، چون می‌خواستیم به کلوپ اکران برسیم. فیلم ما خیلی پرهزینه و گران قیمت است اما این به معنای این نیست که ما خیلی برای آن پول خرج کرده‌ایم. عوامل ایرانی که در خارج از کشور به کار می‌پردازند، باید به نسبت ایران بیشتر دستمزد بگیرند اما رضا تیموری با همان قیمت تهران با ما کار کرد این فیلم در مقایسه با دیگر مستندها، گران قیمت است اما شاید ما بیست درصد از پول را به صورت نقد خرج کردیم.

کلانتری: در جشنواره «سینماحقیقت» یکی از اتفاقاتی که مورد نقد قرار می‌گرفت این بود که افراد واقعاً نمی‌دانستند ما چقدر خرج کرده‌ایم احساس می‌کردند یک بودجه هنگفتی پشت این فیلم است و هی این پول را به افراد مختلف منتسب می‌کردند برای مثال می‌گفتند کاوه پول ساخت مستند را داده است و...

صدقی: تیم ما را هم اتفاقاً لاکچری محسوب می‌کنند. در فیلم ما مشخص نمی‌شود که پول این تیم از کجا جور شده ولی واقعیت این است که ۲۰ میلیون تومان از طریق مردم جمع شد، اما خدا می‌داند چقدر ما را فحش دادند. آن موقع سیل آمده بود و می‌گفتند مهم نیست این تیم به بازی‌های بین‌المللی برود و ... این در حالی است که ما بازیکنی داشتیم که پول خود و یکی دیگر از ورزشکاران را داده بود، اما جالب است که برخی می‌گویند کاوه پول این افراد را می‌دهد. من با این جملات زجر می‌کشم برای اینکه به نظرم این حرف‌ها جفا در حق این بچه هاست، چون با خون و دل این پول‌ها را جمع می‌کنند.

سنایی: ما بازیکنی داشتیم که از فهرست تیم خط خورد ولی پولش را داد، تا یکی دیگر از بچه‌ها به جایش برود. این را هم باید عنوان کنم که روز اولی که فهمیدم قرار است گروهی بیایند و فیلمبرداری کنند، رضایتی نداشتم چون احساس می‌کردم یک بار اضافه روی گروه تحمیل می‌شود، تمرکز گروه از بین می‌رود و ممکن است از تمرین بزنیم تا به فیلمبرداری برسیم و این باعث می‌شود نتیجه را از دست بدهیم.

اعظم سنایی: من اصلا فیلم «عرق سرد» را دوست نداشتم چون یک برداشت جزیی از واقعیت جامعه ما را نشان داد و آنقدر به آن شاخ و برگ داد، که از واقعیت خارج شد

از آنجایی که آقای کاوه این موضوع را از ما خواست و من می‌دانستم او هیچگاه بد گروه را نمی‌خواهد، پذیرفتم ولی باز ته دلم راضی نبود. ولی واقعیت این است که آنقدر این گروه صمیمانه کنارمان بود که قابل توصیف نبود. آن‌ها به قدری کارشان را خوب بلد بودند که حتی در جلسات با روانکاوی کنارمان بودند. ما نه تنها در زمین نتیجه خوبی گرفتیم بلکه اتفاقات خوب دیگر هم برایمان رخ داد.

در همین جا از کسانی که می‌خواهند فیلم را ببینند می‌خواهم که بدون هیچ پیش داوری فیلم را ببینند. من اصلا فیلم «عرق سرد» را دوست نداشتم، چون یک برداشت جزیی از واقعیت جامعه ما را نشان داد و آنقدر به آن شاخ و برگ داد، که از واقعیت خارج شد. اما ما با «جایی برای فرشته‌ها نیست» در همین جامعه‌ای که موضوعات زشت زیادی وجود دارد یک حرف تازه زدیم. برخی به ما می‌گویند شما بچه پولدارید و اگر اینطور نبود هاکی بازی نمی‌کردید، اما چه کسی می‌داند که ما چگونه پول این ورزش را جور می‌کنیم؟

شکیبانیا: البته شما خبرنگار و در جریان موضوعات مختلف هستید و این مسایل را عنوان می‌کنید، اما بیننده عادی واقعاً در انتهای فیلم نمی‌پرسد مشکلات این تیم چه بود؟ به عنوان حرف پایانی باید بگویم داوران «سینماحقیقت» هیچ کدام فیلم را دوست نداشتند و در نهایت یک جایزه موسیقی به ما دادند. البته نمی‌توانیم بگوییم اعضای هیات داوران کار خود را بلد نبودند، چون آن‌ها استخوان‌دار و کاربلد هستند ولی آن‌ها آدم‌هایی هستند که به‌واسطه حرفه خود چنین فیلمی را نمی‌پسندیدند.

اگر شما بهترین فیلم جشنواره با نام «گلوله‌باران» به کارگردانی مرتضی پایه‌شناس را ببینید متوجه می‌شوید فیلمی است که یک نفر به سوریه رفته، زخمی شده، مدام روی زمین است، دوربین روی دستش افتاده و مدام فیلم می‌گیرد. یعنی یک فیلم داخل معرکه است. این فیلم شاید تهیه‌کنندگی به آن معنا نداشته باشد و حتی کارگردانی در صحنه هم ندارد، ولی جایزه کارگردانی، تدوین و... را گرفته است. البته پایه‌شناس شاگرد من بوده و هیأت داوران فیلم او را پسندیده است اما فکر می‌کنم مردم عادی فیلم ما را دوست داشته باشند و حس خوبی از آن بگیرند.

یک فنجان چای داغ

فرآیند پذیرش و ارزیابی فیلمنامه در بنیاد سینمایی فارابی دیجیتال شد

بنیاد سینمایی فارابی در راستای سیاست شفاف‌سازی سازمان سینمایی کشور، و به منظور تسهیل در ارائه، ثبت و بررسی فیلمنامه‌های متقاضی خدمات یا مشارکت این بنیاد، سامانه‌ی فیلمنامه‌ی فارابی را به صورت آزمایشی افتتاح کرد.

به گزارش امتیاز، این سامانه به منظور تسهیل و تنظیم روند ارائه و بررسی طرح و فیلمنامه و صیانت از حقوق پدیدآورندگان، پیاده‌سازی شده و معاونت فرهنگی بنیاد از این پس، فقط از طریق این سامانه به نشانی fcfscriptdepartment.ir طرح و فیلمنامه دریافت خواهد کرد. دسترسی به سامانه‌ی فیلمنامه‌ی فارابی، از طریق سایت بنیاد فارابی نیز امکان‌پذیر است.نسخه آزمایشی این سامانه در حال حاضر آماده بهره‌برداری است و متقاضیان می‌توانند پس از ثبت نام، اعتبارسنجی و دریافت اطلاعات کاربری، به سامانه‌ی فیلمنامه‌ی فارابی دسترسی پیدا کرده و نسبت به ثبت طرح و فیلمنامه‌ی مورد نظر اقدام کنند.این سامانه خدماتی همچون امکان ارسال طرح و فیلمنامه به صورت استاندارد و بدون نیاز به تهیه نسخه پرینت شده و مراجعه حضوری به فارابی را فراهم می‌کند. برای ثبت یک طرح یا فیلمنامه در این سامانه، تهیه و ارسال خط داستانی (در ۲ سطر)، خلاصه فشرده فیلمنامه یا سیناپس (در ۱ صفحه)، طرح یا خلاصه داستان فیلمنامه (در ۴ صفحه)، و سایر اطلاعات مرتبط، ضروری است و کیفیت تهیه این اقلام، برداشت‌ها را به منظور ارائه دهنده نزدیک‌تر و روند بررسی و پاسخگویی را سریع‌تر خواهد کرد.بر اساس شیوه‌نامه حمایت‌های بنیاد، فیلمنامه‌های تهیه‌کنندگان متقاضی حمایت که دارای پروانه ساخت سینمایی باشند، در اولویت بررسی آثار دریافتی خواهند بود و نتیجه بررسی فیلمنامه‌های دارای پروانه ساخت، حداکثر ظرف مدت یک ماه به تهیه‌کننده، اعلام خواهد شد. چنانچه، تهیه‌کننده‌ای متقاضی بررسی حمایت از فیلمنامه‌ای باشد که هنوز پروانه ساخت آن را دریافت نکرده است؛ بنیاد، خلاصه فشرده فیلمنامه یا سیناپس (در ۱ صفحه) و طرح فیلمنامه (در ۴ صفحه) را بررسی و نظر مشورتی خود را اعلام خواهد کرد. همچنین اگر افرادی غیر از تهیه‌کنندگان حرفه‌ای سینما مایل باشند طرح یا فیلمنامه‌ای را برمبنای اولویت‌های اعلام شده در شیوه‌نامه حمایت‌های بنیاد، پیشنهاد نمایند، می‌توانند خلاصه فشرده و طرح فیلمنامه خود را از طریق سامانه‌ی فیلمنامه‌ی فارابی برای بنیاد ارسال نمایند. بررسی فیلمنامه‌های فاقد پروانه ساخت، صرفاً جنبه مشورتی دارد.مرجع تصمیم و تشخیصِ حمایت یا عدم حمایت و میزان و نحوه حمایت از تولید فیلمنامه‌هایی که دارای پروانه ساخت باشند و موافقت شوراهای تخصصی بنیاد را اخذ کرده باشند، کمیسیونِ فرهنگی هنری بنیاد سینمایی فارابی است.مطابق با سیاست‌های سازمانِ سینمایی و نیازهای فرهنگی و اجتماعی، حمایت‌های بنیاد به طور کلی، معطوف به آثاری با فضا و رویکردهای امیدآفرین و اخلاق‌گرا خواهد بود. همچنین حمایت از فیلمنامه‌ها و فیلم‌های تجربی و دارای مخاطب خاص و نیز آثار پویانمایی، در حوزه مأموریت مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی قرار دارد.

علاقمندان برای اطلاع از جزییات نحوه حمایت‌های بنیاد، می‌توانند به سایت بنیاد فارابی مراجعه نمایند.

فیلم آدام سندلر در راس فهرست؛

نت‌فلیکس پربیننده‌ترین فیلم‌هایش را معرفی کرد

با معرفی پربیننده‌ترین فیلم‌های سرویس نت‌فلیکس، فیلمی با بازی آدام سندلر در راس این فهرست قرار گرفت.

به گزارش به نقل از انترتینمنت ویکلی، «معمای قتل» و فصل سوم «چیزهای عجیب» پربیننده‌ترین فیلم سینمایی و برنامه تلویزیونی نت‌فلیکس در آمریکا بودند.

نت‌فلیکس اعلام کرد فیلم کمدی «معمای قتل» با بازی جنیفر انیستون و آدام سندلر پربیننده‌ترین فیلم این سرویس ارائه آنلاین فیلم در سال ۲۰۱۹ بوده است. در میان سریال‌ها نیز فصل سوم «چیزهای عجیب» این عنوان را از آن خود کرد. سریال «آراستگی با ماری کاندو» هم پربیننده‌ترین عنوان غیرداستانی این سال شد.

این در حالی است که آدام سندلر بازیگر ۵۳ ساله امسال با «الماس‌های تراش نخورده» که در چند روز نخست اکرانش فروشی ۲۰ میلیون دلاری را تجربه کرده، یکی از شانس‌های اسکار هم است.

«معمای قتل» یک فیلم کمدی است که سندلر خودش تهیه کننده آن بوده و در آن در برابر انیستون نقش‌آفرینی کرده است. این فیلم داستانی از آگاتا کریستی را در قالب کمدی روایت می‌کند و این ۲ در آن در نقش زوجی بازی کرده‌اند که در یک کشتی تفریحی باید معمای یک قتل را حل کنند.

این فیلم تنها ۳ روز پس از انتشار رکورد ۳۱ میلیون بیننده را کسب کرد.

از دیگر فیلم‌هایی که در این فهرست مشاهده می‌شوند، می‌توان به فیلم «۶ زیرزمینی» به کارگردانی مایکل بی با بازی رایان رینولدز و «ایرلندی» مارتین اسکورسیزی اشاره کرد.

«مرز سه‌گانه» با بازی بن افلک، «فوق‌العاده شرور، به طرز وحشتناکی شیطانی و پست» با بازی زک افرون و «مردان بزرگراه» با بازی کوین کاستنر و وودی هارلسون از دیگر عناوین این فهرست هستند.

برای تعیین پرمخاطب‌ترین‌های نت‌فلیکس، بینندگان ۲۸ روز نخست اکران در نظر گرفته شده‌است.

فهرست محبوب‌ترین فیلم‌های سینمایی نت‌فلیکس ۲۰۱۹ در آمریکا عبارتند از:

۱. «معمای قتل» ۲. «۶ زیرزمینی» ۳. «شگفت‌انگیزان ۲»۴. «ایرلندی»۵. «مرز سه‌گانه»۶. «فوق‌العاده شرور، به طرز وحشتناکی شیطانی و پست»۷. «مردان بزرگراه» ۸. «اسپایدر من: درون اسپایدر ورس» ۹. «رالف اینترنت را خراب می‌کند»۱۰. «وسواس پنهانی»

فهرست محبوب‌ترین سریال‌های نت‌فلیکس ۲۰۱۹ در آمریکا عبارتند از:

۱. «چیزهای عجیب ۳» ۲. «ویچر»۳. «آکادمی آمبرلا» ۴. «برای من مرده»۵. «تو: فصل ۲»۶. «وقتی ما را می‌بینند» ۷. «غیرقابل باور» ۸. «آموزش جنسیتی» ۹. «به ۱۳ دلیل: فصل ۳»۱۰. «بزرگ کردن دیون»

شانس موفقیت فیلم‌های واقعیت‌محور در جوایز اسکار

در سال‌های اخیر ساخت فیلم‌هایی برمبنای رویدادهای واقعی و نیز فیلم‌های خودزندگینامه‌ای افزایش یافته و به همان نسبت توجه اسکار و جوایزش هم به آنها بیشتر شده است.در ۷۲ سال نخست جوایز اسکار (۱۹۲۷ تا ۱۹۹۹)، روی هم رفته ۱۴ فیلم حقیقت‌محور برنده جایزه بهترین فیلم سال شدند که معادل ۱۹ درصد بود اما در قرن بیستم‌ویکم، فیلم‌های حقیقت‌پایه توانسته‌اند ۳۳ درصد از جوایز بهترین فیلم سال را از آن خود کنند. سال گذشته سه برنده از چهار برنده بازیگری اسکار (رامی مالک، الیویا کولمن، ماهرشالا علی) نقش شخصیت‌های واقعی را ایفا کردند و ۶ فیلم از هشت رقیب بخش بهترین فیلم سال از جمله فیلم برنده «کتاب سبز» فیلم‌های واقعیت‌محور بودند.به هر دلیلی، فیلم‌هایی که بر پایه وقایع حقیقی ساخته می‌شوند به طور مشخص دارند جایگاه خود را ارتقا می‌دهند و بیشتر هم جایزه دریافت می‌کنند. در عین حال بخش زیرمجموعه فیلم اتوبیوگرافی هم در حال رشد است. فیلم سال گذشته «رُما» در این دسته‌بندی جا می‌گیرد و شمار فیلم‌های این دسته‌بندی در سال جاری هم چند برابر افزایش یافته است.در سال ۲۰۱۹ آنقدر فیلم حقیقت‌محور ساخته شده که این احتمال وجود دارد (البته شانسش خیلی بالا نیست) که تمام نامزدهای اسکار از فیلم‌های حقیقت‌محور باشند. این لیست شامل این فیلم‌ها می‌شود: «ارونات‌ها»، «روزی زیبا در محله»، «بامب‌شل»، «آب‌های تیره»، «دالمایت نام من است»، «فورد مقابل فراری»، «هریت»، «یک زندگی مخفی»، «ایرلندی»، «جودی»، «رحم عادلانه»، «خشکشویی»، «میانه راه»، «گزارش»، «ریچارد جوئل»، «راکت‌من»، «سیبرگ»، «پوست» و «دو پاپ».فیلم‌های خودزندگینامه‌ای هم شامل «هانی بوی»، «وداع» و احتمالاً «داستان ازدواج» می‌شود. با وجود اینکه نوآ باومباخ همیشه گفته «داستان ازدواج» اتوبیوگرافیکی نیست، رسانه‌ها به شباهت‌های آن با زندگی این کارگردان اشاره کرده‌اند. عناصر اتوبیوگرافیکی در فیلم «درد و افتخار» پدرو آلمادوار هم دیده می‌